



کمیته امداد و دمل چرکین بهره کشی از زنان

مقوله خانواده برای بورژوازی از یک طرف همواره مظهر کار بی ارج و مجانی زن خانواده و از طرف دیگر شانه خالی کردن از مسئولیت دولت در تامین زندگی آحاد خانواده بوده است. این مرد و این درآمد اوست که تامین زندگی زن و کودکان را بعهده دارد. در این تعریف مرد کارگر نه شریک زندگی بلکه سرپرست همسر و کودکان به حساب میاید. کمیته خمینی، این شوالیه های اسلامی امداد، گفتارهایی هستند که در روز مبادای "بیوگی" دقیقاً برای نقش "سرپرستی" خیز بر میدارند. زن تحت پوشش کمیته در یک چرخش قلم از یک سرپرست جدید برخوردار میشود که در ازای چندرغاز مستمری بر مقدرات زندگی او چنگ میاندازد. تحت نظر این آقا بالاسر جدید تنظیم و توجیه فقر مطلق و کار خانگی و آشپزی و بچه داری بجای خود باقیست. بعلاوه و مهمتر اینست که مستمری مربوطه مشروط به فعالیتهای تولیدی بشدت سازمان یافته و کنترل شده است. کمیته امداد یک محمل دخالت در امور خصوصی از لباس و حجاب تا شوهر یابی برای زن قربانی نیز هست.

صفحه ۲

صفحه ۳

ماfiای رسمی و قانونی بازار کار زنان

صفحه ۵

یک شهر و یک اعتصاب: اراک و باز هم هپکو

اعتراضات و حق طلبی کارگران هپکو در متن مبارزه طبقاتی در ایران

صفحه ۵

درد در همه جا یکی و درمان نهایی هم در همه جا یکی است!

صفحه ۶

کمیته امداد و دمل چرکین بهره کشی از زنان

بیلان درخشانی از دخل و خرج در زمره بنگاههای تولیدی میدرخشد.

مقوله خانواده برای بورژوازی از یک طرف همواره مظهر کار بی ارج و مجانی زن خانواده و از طرف دیگر شانه خالی کردن از مسئولیت دولت در تامین زندگی آحاد خانواده بوده است. این مرد و این درآمد اوست که تامین زندگی زن و کودکان را بعهده دارد. در این تعریف مرد کارگر نه شریک زندگی بلکه سرپرست همسر و کودکان به حساب میاید. کمیته خمینی، این شوالیه های اسلامی امداد، گفتارهایی هستند که در روز مبادای "بیوگی" دقیقاً برای نقش "سرپرستی" خیز بر میدارند. زن تحت پوشش کمیته در یک چرخش قلم از یک سرپرست جدید برخوردار میشود که در ازای چندرغاز مستمری بر مقررات زندگی او چنگ میاندازد. تحت نظر این آقا بالاسر جدید تنظیم و توجیه فقر مطلق و کار خانگی و آشپزی و بچه داری بجای خود باقیست. بعلاوه و مهمتر اینست که مستمری مربوطه مشروط به فعالیتهای تولیدی بشدت سازمان یافته و کنترل شده است. کمیته امداد یک محمل دخالت در امور خصوصی از لباس و حجاب تا شوهر یابی برای زن قربانی نیز هست.

سمت و سوی کار زنان به سوی کارگاههای کوچک، کار خانگی و خدمات و کلا آنچه بازار کار غیر رسمی شناخته میشود، در قالب کمیته امداد تبدیل به یک فعالیت اقتصادی قانونی تبدیل شده است که علناً موقعیت کل طبقه کارگر در ایران و مشخصاً در زمینه کار زنان را تخریب میسازد. در تابلو کمیته امداد حتی نیاز به ماست مالی های معمولی از اجاقفات دستمزدی، کار شاق، قدر قدرتی کارفرما، ساعات و شرایط نا مساعد کار، سوء استفاده های جنسی و غیره ضروری ساخته نمیشود. صدقه و تمام تشریفات و توجیهات آن پدیده آزاردهنده و نفرت انگیزی است، اثری از انسانیت را در آن نمیتوان یافت.

کمیته امداد خمینی امتداد، تشدید و توجیه فقر و عسرت در جامعه ایران است که نقش خود را تکیه بر یک ماشین پرکار از تحقیر زن در جامعه ایفا میکند. نه فقط زنان بلکه کودکان این خانواده ها قربانیان اجتماعی، فیزیکی و فکری این ماشین منحن میباشند. این نهاد از سیاه ترین مراکز تولیدی در رشته های مخوف مثل فرش بافی و خیاطی تا تولید مواد غذایی و حتی صنایع است که الگو و استاندارد دستمزدها و حقوق کارگری را به سطح نازلتری سوق میدهد.

بدون تردید "زنان بدون سرپرست" را باید از شنیع ترین اصطلاحات جاری زبان فارسی محسوب نمود. اگر این اصطلاح در مورد مردان بکار گرفته شود، قاعدتاً منظور افراد با اختلالات روانی جدی و فاقد توانایی یک زندگی معمولی است. در مورد زنان تحت پوشش این طرح مساله کاملاً بر عکس است. "زنان بی سرپرست" فقط به یک تابلوی مستهجن زن ستیزانه و نازل مردسالارانه قرون وسطایی خلاصه نمیشود. این عبارت یادآور و بازتولید بی وقفه تحقیر زن و موقعیت فرودست نیمه جامعه هست اما در عین حال، "زنان بدون سرپرست" یک پدیده عظیم اجتماعی و در درجه اول یک پدیده بسیار فعال و پر سود اقتصادی کاپیتالیستی در ایران است. کمیته امداد خمینی موتور محرک یک نهاد مالی و تولیدی مافیایی در ساختار سیاسی - اداری کشور است. بنا به اظهارات مسئولین مربوطه، یک میلیون نفر زن "بی سرپرست" تحت اختیار این سازمان قرار دارند که با مجموعه اعضای تحت تکلف خانواده، تعداد تقریبی سه میلیون نفر از جمعیت ایران را شامل میشود. این بنیاد سه میلیون نفر از جمعیت ایران را، اساساً در میان زنان، در یک موقعیت دشوار زندگی، شکار کرده، و آنها را با نقره داغ "بی سرپرست" در دالانهای قانونی در تمام شئون فردی و اجتماعی، آنها را مورد بهره جویی قرار میدهد.

هدف نوشته در این خلاصه میشود که چگونه دولت از مسئولیت خود در مقابل بیکاری و تامین زندگی بیکاران شاخه خالی میکند. برای آشنایی با وجوه کارکرد این دمل چرکین کافی است برچسب "بی سرپرست" را کنار زده و پرسید چه کسانی تحت "پوشش" این بنیاد هستند؟ پوشش اهدایی بنیاد چیست؟ و بنیاد با "بی سرپرستان" چه میکند؟

اینجا رسماً و عملاً با نوع دیگری از شهروندان روبرو میشویم. در لابلای تعاریف کمابیش معین و جا افتاده یک کشور تازه باز میشود: بی سرپرست! یک دنیا پیچ و تاب، یک دنیا مزخرف گویی، یک دنیا لاطئالات مذهبی برای انکار هویت شهروندانی که زن و کارگر هستند. سی سال سرمایه گذاری بر روی دو عبارت بیوه و مستمری بگیر، سی سال بوق و کرنای گوش خراش برای چرخش یک بنگاه اقتصادی سود آور بر یک مبنای ساده: کارگران زن! بیجهت نیست که کمیته امداد با کمترین کمک های دولتی بر مبنای "خودکفایی اقتصادی" با

ادامه کمیته امدادو

کارگر در امریکا خواهیم پرداخت. این مبارزات که زنان مهاجر یهودی شاغل در صنعت پوشاک و عمدتاً در شکل کار خانگی مرکز ثقل آنرا تشکیل داده اند، میتواند سر نخ های قابل توجهی را بدست دهد. از جمله به این خواهیم که چرا علارغم سهم بالای زنان در بخش فعال کاری طبقه کارگر و علارغم شرایط سیاه کار و دستمزد؛ کماکان زنان در حاشیه اعتراضات کارگری قرار دارند. به فاکتورهای بیکاری، محلات، کار خانگی و خانواده و فرهنگ نگاهی خواهیم انداخت. در بحث مشخص استثمار زنان در چهارچوب کمیته امام، قدر مسلم اینستکه بساط صدقه چرخانی کمیته امداد باید برچیده شود و بیمه های اجتماعی برنامه کمونیستی طبقه کارگر جانشین آن گردد، دقیقاً همان اهداف و روشهایی که توسط هم طبقه ای های ما در امریکا تعقیب شد.

مبارزه موثر و دستاوردهای قابل اطمینان طبقه کارگر بدون بسیج صف زنان این طبقه بر علیه بورژوازی ممکن نیست. از طرف دیگر مبارزه زنان طبقه کارگر بدون دخالت مستقیم و همسرنوشتی همه صفوف طبقه، چه زن و چه مرد ره به جایی نمیرد. اینها جزو احکام بدیهی از مبارزه متشکل طبقه کارگر هستند. اما در سابقه اعتراضات و جنبش اعتراضی طبقه کارگر تجربه های قابل اعتنا و ارجاع در این زمینه نادر میتوان سراغ گرفت. آنچه مسلم است این است که مبارزه بر علیه بیکاری و مبارزه در محلات میتواند بستر مشترک طبیعی برای دسترسی کارگران زن و مرد از بخش های متفاوت اقتصادی بیکدیگر باشد و از طرف دیگر مبارزه برای بهبود شرایط زندگی امر مشترکی را در دستور همه قرار دهد. در شماره هفته بعد نشریه مفصلاً به تجربه مبارزات زنان

مافیای رسمی و قانونی بازار کار زنان

مقدمه از علیه بیکاری: گزارش زیر در رابطه با شرایط کار زنان در ایران به نقل از روزنامه "توسعه ایران" منتشر میشود. شواهد و مورد اشاره تکان دهنده است. نگاه خواننده بر روی ارقام خشک میزند و با هر سطر خون به شقیقه ها فوران میکند. بحث بر سر تاریخ و دور دستها نیست. بحث بر سر یک میلیون هم طبقه ای ما در همین سال گذشته و ادامه در جریان شرایط کار غیر قابل باور و جهنمی است. آنچه درج شده آمار و ارقام حاکی از شرایط دردناک است، اما آنجا که بیکاری و نداری نه یک رقم بلکه نگاه های نیازمند کودکی است که دیگر صبر سرش نمیشود، کرایه عقب افتاده یا موعد پرداخت قرض به همکاری است که خود در تنگنا است؛ در دل زندگی واقعی، در جایی که آخرین زیلو نیز فروخته شده است، جایی که وعده ها و سیاست اشتغالی دولت یک پاپاسی ارزش ندارند، مجال زیادی برای تردید باقی نمیماند.

اما هیچ درجه از اجبار برای تن دادن به کار مزدی به معنای به جان خریدن اجحاف و زورگویی سرمایه دار سودپرست زانو صفت نیست. تا آنجا که به سرمایه مربوط باشد خود را منجی و نان آور قلمداد میکند، دستمزد نازل را به حساب درایت خود در تداوم کارخانه و "حفظ اشتغال" میگذارد. او مالک ابزار تولید است، سود سرمایه نفس قانون است، اما نه

تقدس مالکیت، نه مشروعیت قانون و نه زور و سرکوب دولتی در مقابل حق طلبی اعتراض کارگری از کمترین ارزشی برخوردار نیستند. این اعتراض، نفرین به آسمانها و مشت به دیوار کوبیدن آنها باید راه به خیابانها باز کند. و این زمانی اتفاق میافتد که نشان دهد چاره ساز است. در مورد استثمار وحشیانه زنان در ایران شکل گیری یک مبارزه متشکل کارگری که اعتراض زنان کارگر را (از پستوی گزارشات تکان دهنده و سیاه) به صحنه کشمکش های زنده بکشاند، با اولین گامهای این مبارزه جامعه ایران چشم به یک انفجار از کیفرخواست مملو از چرک و خون و کثافت علیه سرمایه، علیه دولت، علیه مذهب و علیه فرهنگ "سوختن و ساختن" و "نوازش بینوایان" باز خواهد کرد. تا اینجا به هر درجه از کم اشتهایی، ندانم کاری، و محدودیت افق در به میدان آمدن اعتراض بخش زنان طبقه خسارت های غیر قابل جبرانی را برای کل جنبش کل طبقه به همراه داشته است.

و اصل گزارش: داده های مرکز آمار کشور نشان می دهند در سال ۱۳۹۷ بیش از یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر، معادل ۵.۱۳ درصد از جمعیت شاغل در بازار کار کشور، بدون اینکه هیچ مزدی دریافت کنند، مشغول به کار بوده اند. مرکز آمار از این افراد با عنوان «کارکن فامیلی بدون مزد» یاد کرده و درباره وضعیتشان گفته این افراد برای یکی از اعضای خانوار خود که با وی نسبت خویشاوندی دارند، کار می کنند و از این بابت، مزد و حقوقی دریافت نمی کنند. ("زنان، قربانیان اصلی بیکاری در کشور"، روزنامه توسعه ایران، دهم مرداد ۱۳۹۸)

ادامه مافیای رسمی و....

وی دلیل این امر را مشکلات مالی زنان دانست و گفت:

کارگران زن به دلیل نیاز مالی که دارند نیروهای کار ارزانی هستند که در شرکت‌ها و کارگاه‌ها حاضرند بدون بیمه کار کنند و در حقیقت کارفرما از این شرایط به نفع خود بهره می‌برد.

گلپور گفت: کارفرمایانی که در استخدام زنان، موارد قانونی را رعایت نمی‌کنند برای جلوگیری از شکایت‌های آنان از چک‌های سفیدامضا و سفته استفاده می‌کنند تا اگر روزی هم شکایتی صورت گرفت ضرر مالی خود را با کمک آنها جبران کنند.

وی تاکید کرد: این اقدام کارفرمایان گروگان‌گیری است و افزود: خدمات این افراد با کمترین قیمت توسط واسطه‌ها خریداری و با چندین برابر قیمت فروخته می‌شود و حتی در بسیاری موارد شاهد بودیم که کارفرمایان برای اینکه مجبور به پرداخت حق عائله‌مندی نشوند، زنان مجرد را استخدام می‌کنند.

آمارها حکایت از این دارند که 62.38 درصد از «کارکنان فامیلی بدون مزد» زن هستند؛ زنانی که ارزش اقتصادی ایجاد می‌کنند اما این نوع اشتغال درآمدی برایشان ایجاد نمی‌کند. بخش عمده این زنان، در فعالیتهای کشاورزی، جنگل‌داری، ماهی‌گیری، تولید صنعتی، عمده‌فروشی و خرده‌فروشی و تعمیر وسایل نقلیه کار می‌کنند و در روستاها ساکن هستند.

دریافت چک و سفته، ساعت طولانی کار، کار ارزان و نبود بیمه، مشکل اصلی زنان کارگر است. براساس آمار اعلامی موسسه عالی پژوهش‌های سازمان تامین اجتماعی، زنان ۸۰ درصد شاغلان بدون بیمه در سال ۱۳۹۶ را به خود اختصاص داده بودند.

کار بدون درآمد تنها مصیبت زنان شاغل در کشور نیست. تغییر شرایط اقتصادی و اجتماعی جوامع باعث شده که زنان علاوه بر نقش مادر و همسر، مسئولیتهای دیگری همچون اشتغال در بیرون از خانه را نیز قبول کنند. زنانی که برای کسب درآمد و گذران زندگی خود و خانواده‌هایشان با شرایط سخت و نابرابر نسبت به مردان کار می‌کنند.

اگرچه ورود صنعت و ماشین بر اشتغال زنان اثر گذاشته و آنان را از مشاغل سنتی به صنعتی سوق داده اما در بسیاری موارد، مصایب گذشته همواره بر زندگی آنها سایه افکنده و گویی راهی برای حل این مشکلات وجود ندارد.

رئیس کمیته بانوان کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگری زنان، نبود بیمه، دریافت چک و سفته، ساعت طولانی کار، کار ارزان و نبود بیمه را مشکل اصلی زنان کارگر بیان کرد و راحل آن را در افزایش سواد حقوقی، تهیه الگوی کار زنان و نظارت دانست.

«سمیه گلپور» در گفت‌وگو با ایرنا درباره مشکلات این قشر از جامعه می‌گوید: براساس آمار اعلامی موسسه عالی پژوهش‌های سازمان تامین اجتماعی، زنان ۸۰ درصد شاغلان بدون بیمه در سال ۱۳۹۶ را به خود اختصاص داده بودند.



با "علیه بیکاری" تماس بگیرید!

علیه بیکاری یک نشریه کارگری است. تلاش و هدف ما اینست که تعداد هر چه بیشتری از کارگران دنبال نشریه باشند، آنرا بخوانند و آنرا دوست خود بدانند. ما می‌خواهیم مبشر سازمان یابی و اتحاد کارگران، و عمای دست فعالین کارگری در اینراه باشیم. info@a-bikari.com

کارمزدی... در جایی که خدا و سرنوشت کاره ای نیستند؛ واقع بینی، اتحاد، هم سرنوشتی و سازندگی تنها مفری میشود که باید به آن چنگ انداخت؛ و اینها نه در کنج تنهایی بلکه تو خیابانها و کارخانه ها، در میان بقیه آدمها در جامعه شکل میگیرند، مادیت پیدا میکنند و به رقص درمیایند. جا دارد با پژواکی قویتر اضافه کرد اعتصاب کارگری بسیار فراتر از یک طغیان حق طلبانه، حاصل یک پروسه برنامه ریزی شده، متکی به اراده جمعی، نشانه اراده و خوشبینی و بر متن خمیرمایه تغییر و بهبود شرایط زندگی برای خود، برای یک خانواده بزرگ طبقاتی کارگری و برای همه هموعان است. پاشید و در مصاحبت با یکی از شرکت کنندگان، یک اعتصاب کارگری را از نزدیک تعقیب کنید.

با این کارگران همراه شوید!



انقلاب کارگری به این معناست که آحاد طبقه ما، کارگران را آنطور که واقعاً هستند، تنها خالق ثروتهای جامعه ببینید، به شایستگی طبقه خود در اداره جامعه باور داشته باشند، رهبران امروز خود را به مثابه روسای شایسته دولت فردای کارگری بشناسند و بشناسانند و مثل برادر تری از آنها دفاع کنند. انقلاب کارگری اینست که ما کارگران بیکار، زنان قربانی تبعیض، کودکان کار، معتادین و زخمهای ناشی از دستمزدهای لطمات ناشی از دستمزدهای پایین و قربانیان سوانح کار را به مثابه لطمه به پیشقراولان ارتش بزرگ طبقه در نبردهای بزرگ فردا در تصرف زندان اوین و کاخ ریاست جمهوری ببینیم، از هیچ دستاورد کوچک برای تخفیف لطمات بر طبقه خود چشم نپوشیم. شایسته ترین گردانها و شایسته ترین فرماندهان پیشروی طبقه کارگر را در مبارزات صنفی اما آگاهانه امروز جستجو کرد. یا اولین تلاشهای ایجاد یک صندوق تعاونی که کارگران درس اعتماد و اتحاد را هر روزه مشق میکنند، عملا خاکریزهای جدیدی به نفع کارگران تصرف شده است. امروز بهاندازه کافی از صندوقها و

یک شهر و یک اعتصاب: اراک و باز هم هپکو

کارگران هپکو و اخبار اعتراضات آنها دنیا را روی سر خود گذاشته اند.

کار و دستمزد کافی، اینبار از دریچه هپکو، زمین را زیر پای جامعه ایران داغ کرده است. پژواک فریاد "کارگران گرسنه اند" از هر دهان تکرار میشود. بخش عظیم این فضا جز یک هیاهوی پوچ، عامدانه در دشمنی با کارگر نیست. "کارگر مظلوم" در مقابل "کارفرمای فاسد" مرکز تلاقی برداشتهای عمیقاً متعفن طبقاتی- اسلامی - ناسیونالیستی است که در آن گویا و "متاسفانه" کارگر گول میخورد، داد میزند، با باطوم به سراغش میروند تا شاید دست بر قضا بخشی از مطالباتش پرداخت گردد.

در این تلقی همه چیز مجال مانور پیدا میکند بجز اینکه مبارزه کارگران بر علیه استثمار و علیه ریشه نابرابری و ستم در سراسر جامعه است. اعتراض کارگری بحق از عزیزترین پدیده های سیاسی و اجتماعی ایران است. این اعتراضات حق طلبانه محسوب میشوند، شور آزادیخواهی را در سرها به جوش درمیآورند.

باید به یاد آورد تنها تکیه گاه کارگر و خانواده اش دستمزد او است. در وانفسای دستمزدهای زیر خط فقر، در قوز بالای قوز دستمزدهای معوقه دیگر به زحمت میشود چیزی را وصله شکم کرد، قرض و قوله و رو انداختن به همکارانی که وضع مشابه دارند معمولاً به جایی نمیرسد، پس اندازی در کار نیست... در پس سالها و روزها تکرار همین مصائب، نسل پس از نسل زندگی روی لایه های سست و لغزنده منطق

اعتراضات و حق طلبی کارگران هپکو در متن

مبارزه طبقاتی در ایران

شورش کارگر بر علیه وطن پیش فرض رهایی او است. دفاع از شورش کارگری پیش فرض جاری شدن خون انسانیت در شریانهای یک جامعه است. انقلاب کارگری به این معنا است که ما کارگران خود را به مثابه یک طبقه واحد ببینیم. به قدرت طبقه متشکل خود ایمان راسخ داشته و آنرا نشان دهیم. هیچ گونه تفرقه ای را در صفوف طبقه خود نپذیریم. به همان اندازه که آگاهانه حدیث هر پیامبری را برای جدایی صفوف طبقاتی قاطعانه خنثی میکنیم، همزمان هیچ کارگری را هر چقدر نا آگاه و متعلق به این یا آن کیش و آیین تنها نگذاریم. انقلاب کارگری از آن روز که رهبران کارگری برای اتحاد صفوف کارگران در یک واحد کار بطور نقشه مند آستین بالا زده باشند، یک واقعیت ملموس است.

ادامه اعتراضات و حق

نکند، کسی حق نداشته باشد کرامت دیگری را بگرو بگیرد. حکومت کارگری باغ وحشی از بوزینه های مبلغ نابرابری و خرافات حاکم بر ایران را گرد خواهد آورد. ایران را از آراء و عقاید و مناسبات حاکم بر آن پاک خواهد کرد. جامعه آینده مرگ ایران نفرت زده امروز و تولد ایران آزاد و برابر خواهد بود.

انقلاب کارگری ایران از آن لحظه که هر کدام از ما خود شخصا برای پیشروی و پیروزی آن چه کار معینی را در دستور گذاشته و چه چیزی را در این راه فدا خواهیم کرد، عملاً آغاز شده است.

سندیکاها و مجامع عمومی وجود دارند؛ این تجربیات باید به حرف بیایند تا شور و شوق و اعتماد بنفس و پیشروی متحد را نوید دهند. انقلاب کارگری در گرو آگاهی عمیق به اینست که طبقه کارگر سرنوشت و منافع و میهن مشترکی با بورژوازی ندارد. انقلاب کارگری امر فوری و قاطع طبقه کارگر است اما با چشم باز در هر قدم خاک ایران را شخم میزند، گام به گام عقاید کهنه را به همورد میطلبد تا با بیشترین اتحاد ممکن را حول پرچم شرافت انسانی با خود همراه سازد. در حکومت کارگری همه ثروتها جامعه بدو صرف این خواهد شد کسی، هیچکس گرسنه نخواهد، کسی از سرما نلرزد، کسی برای دیگری کار

درد در همه جا یکی و درمان نهایی هم در همه جا یکی است!

بیکاری و فقر و مسکنت کارگران ایران ناشی از "خود کفا نبودن ایران" نیست.

بی حقوقی توده ها، محرومیت های آنها و ارتجاع و اختناق ناشی از انحصار طلبی و قدرت طلبی و یا سهم این یا آن جناح، نیست. ترور، زندان، شکنجه، تهدید و ارباب و سرکوب کارگران و فرزندان انقلابی و کمونیست و آزادیخواه نیز بخاطر "حکومت آخوندها" یا قبیای اسلامی دولت ایران نیست.

در انگلستان سراپا صنعتی و خودکفا و امپریالیست هم کارگران بیکارند! در آلمان هم کارگران بی مسکن هستند. در امریکا، این بزرگترین قدرت امپریالیستی هم کارگران با فقر و بیکاری دست به گریبان هستند. در اروپای "دمکرات" هم هیچ حزبی انحصار طلب نیست، حقوق توده ها پایمال میشود. در پرو، آرژانتین، آلمان و امریکا هم که دولتهایشان نه قبیای مذهب و دین پوشیده اند و نه کشیشان و آخوندهایشان سر کار هستند و حتی قدرت را به سخنگویان "تمدن بشری" سپرده اند، باز هم برای جنبش انقلابی کارگری تا چه رسد به کمونیستها، ترور، ارباب، سرکوب و زندان برقرار است.

چرا که فقر و بیکاری و سرکوب نه ناشی از "قتصاد وابسته" یا "انحصار طلبی و فساد" یا "بربریت آخوندها" بلکه فقط و فقط، و در همه جا ناشی از خود نظام سرمایه داری است. مصائب گریبانگیر توده ها، همه جا ناشی از نظامی است که در آن کارگران برای ادامه حیاتشان ناچارند که خود را به سرمایه داران بفروشند و با کار خود برای این دشمنان طبقاتی شان ثروت و قدرت و امکانات استثمار، ستم و سرکوب باز هم بیشتر تولید کنند؛ ناشی از نظامی است که در آن کارگران ناچارند مدام با کار خود دشمنان طبقاتی شان را نیرومندتر، در سرکوب و استثمار خود تواناتر و به این ترتیب طبقه خود را باز هم محروم تر،

نشریه علیه بیکاری

مدیر مسئول: سیوان رضایی

تماس: آدرس ایمیل

info@a-bikari.com

استفاده از مطالب با ذکر منبع آزاد است.